

ارزیابی دلیل و ضابطه‌های اثبات در داوریه‌های تجاری بین‌المللی

رضا دلیر*

ابراهیم دلشاد معارف**

عیسی امینی***

DOI: 10.22096/LAW.2023.531944.1894

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹]

چکیده

مقررات ملی و قواعد مدون در حوزه داوریه‌های تجاری بین‌المللی، بدون ورود به موضوع ضابطه اثبات برای تعیین ارزش اثباتی دلایل و اثبات وقایع، اصل را بر آزادی داوران قرار داده‌اند. رویه داوریه، سابقاً منبعث از زمینه‌های فکری داوران و نظام‌های حقوقی متنوع آنان بوده است. به دلیل نقش عمده حقوق دانان دو نظام حقوق نوشته و عرفی، در ایجاد رویه‌های داوریه و تحت تأثیر دیدگاه این دو نظام حقوقی در دادرسی‌های ملی، دو ضابطه مختلف در زمینه اثبات مورد اعمال قرار می‌گرفت، اما در جریان یکنواخت‌سازی رویه‌های داوریه، داوران کوشیدند یک ضابطه واحد در زمینه اثبات و ارزیابی دلایل را اعمال کنند. برخلاف ارزیابی دلیل که دارای سه جنبه روانی، منطقی و حقوقی است، ضابطه اثبات جزء موضوعات معرفت‌شناسی قضایی و صرفاً دارای جنبه روانی و منطقی و فاقد عنصر حقوقی است. دست‌یابی به یک آستانه اقتناع معین برای اثبات، امری دشوار، اما رسیدن به یک اعتقاد قضایی، قطعاً دارای معیار و متغیرهایی مشخص است. در این پژوهش، ضمن بررسی ضابطه‌های اثبات متداول در داوریه‌های تجاری بین‌المللی و تحلیل جنبه معرفتی ارزیابی دلیل، ضابطه معقول برای اثبات وقایع و ارزیابی دلایل مشخص و نحوه اعمال و اجرای آن بیان شده است.

واژگان کلیدی: اثبات؛ ارزیابی؛ داوریه تجاری بین‌المللی؛ دلیل؛ ضابطه.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Email: R.dalir1362@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. «نویسنده مسئول» Email: Edelshad1972@gmail.com

*** استادیار دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Email: Easa.amini@yahoo.com



مقدمه

طرفین دعوی برای اثبات ادعای خود یا رد ادعای مستدل طرف مقابل، مکلف به ارائه دلیل اثباتی‌اند. با ارائه دلیل از سوی طرفین، داور پس از پذیرش اولیه دلیل ارائه‌شده از سوی طرفین، اقدام به اداره دلایل مرتبط و مؤثر در دعوی می‌نماید و پس از اتمام مرحله اداره دلیل، ارزیابی نهایی از دلایل اثباتی را به عمل می‌آورد. مجموعه قواعد مدون در حوزه داورهای تجاری بین‌المللی، صرفاً با تجویز اصل ارزیابی آزادانه، دلایل اثباتی و بدون ارائه ضوابط اثبات، ارزیابی دلیل و نحوه ایجاد قناعت وجدانی را به‌طور کلی بر عهده داوران گذاشته است. این نقص مختص حوزه داورى نیست، بلکه به دلیل ناشناخته بودن حوزه معرفت‌شناسی اثبات، در دادرسی‌های ملی نیز قانون‌گذاران قادر به ضابطه‌مند کردن این امور نیستند. بنابراین، برای شناخت و ضابطه‌مند کردن این حوزه به تحلیل نظری ماهیت و مراحل ارزیابی دلیل و ضابطه‌های اثبات می‌پردازیم. ارزیابی دلیل یک فرایند تحلیل ذهنی است که داور پس از اداره دلیل و رسیدگی به دلیل با در نظر گرفتن تمامی عوامل مطرح در رسیدگی، اعم از شرح و توصیف دعوی، دفاعیات و استدلال‌های طرفین، به این تصمیم می‌رسد که آیا دلایل اثباتی، وی را به وجود واقعه مورد ادعا متقاعد کرده است یا خیر. تعیین ارزش اثباتی دلیل از جنبه روانی و اثبات وقایع، مستلزم ضابطه و قواعدی مشخص است. در این زمینه، چندین ضابطه از سوی داوران مورد اعمال قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد که از نظر معرفت‌شناختی صرفاً یک ضابطه، برای اثبات و اقناع وجود داشته و این ضابطه دارای عناصر ثابت و متغیر معینی باشد. ما در این پژوهش کتابخانه‌ای، با مطالعه مفهوم ارزیابی دلیل، ضابطه اثبات، جنبه معرفت‌شناسی اثبات و نیز دیدگاه‌های مختلف پژوهشگران حوزه داورى، سعی در دستیابی به یک ضابطه و معیار مشخص برای اثبات داریم.

۱. مفهوم ارزیابی دلیل

«ارزیابی دلیل، یک تحلیل ذهنی و غیر قابل توصیف است که طی آن داور یا دادرس به بررسی اعتبار و ارزش اثباتی دلایل ابرازی می‌پردازد. اعتبار دلیل، میزان قاطع بودن آن را مشخص می‌نماید. در این مقوله، داور به بررسی صحت و سقم ادله و نیز میزان اعتبار آن می‌پردازد و در بررسی ارزش اثباتی دلیل، کفایت دلیل برای اثبات امر مورد ادعا و امکان نتیجه‌گیری در خصوص موضوع مورد اختلاف از منظر یک فرد متعارف را بررسی می‌نماید»^۱.

1. Ahmad Alozn and Abdulla Galadari. "Evidence admissibility and evaluation models in commercial arbitration," *Journal of Legal Affairs and Dispute Resolution in Engineering and Construction* 10, no. 3 (2018):3.

«ارزیابی دلیل، فرایند بررسی دلایل اثباتی از حیث اطمینان، اعتبار و ارزش اثباتی است. مقصود از اطمینان، اطمینان از نحوه استنتاج و دلالت تحقیق بر گزاره مورد نظر و به عبارت دیگر، اطمینان در شیوه ایجاد باور و اعتقاد است».^۲

با در نظر گرفتن تعاریف فوق، می‌توان گفت که در جریان ارزیابی دلیل؛ اعتبار دلیل، ارزش اثباتی و توان اثبات‌گری دلیل، انتخاب دلیل مرجح از میان ادله متعارض، و نتیجه‌گیری کلی از بررسی دلایل اثباتی مورد توجه قرار می‌گیرند. فرد فرد این مجموعه عوامل که تحلیل ذهنی و روانی هستند، دائماً با نگرش و ذهنیت‌های دائمی و فردی داوران هدایت می‌شوند. داور در جریان بررسی، تحلیل و تفسیر هر یک از عوامل فوق، یله و رها نیست و نمی‌تواند صرفاً بر اساس تمایلات و اغراض شخصی خود فرایند ارزیابی دلیل را مدیریت نماید. ملاک ارزشیابی میزان ارزش و اعتبار دلیل، شخصی و فردی نیست و برای ایجاد اقناع وجدانی، معیار و ضابطه حداقلی وجود دارد. داور برای اینکه به اقناع وجدانی و اعتقاد به وجود واقعه‌ای برسد، فارغ از وجود ضابطه و معیار اثبات، باید بتواند با استدلال صحیح، مبانی ایجاد علم و باور خود را توجیه و بازگو نماید. تمامی این امور بیانگر این ضرورت است که فرایند ارزیابی دلیل، نیازمند ضوابط و قواعدی است که هم روند ارزیابی دلیل را تسهیل می‌نماید و هم با شفاف‌سازی این فرایند، امکان نظارت دقیق بر این مرحله را فراهم می‌نماید.

حقوق‌دانان ما عمدتاً ارزیابی دلیل را به یک نحو تعریف کرده‌اند: «مقصود از ارزیابی دلیل، واکنش روانی است که دادرسی اعلام می‌کند آنچه مدعی ارائه کرده است او را نسبت به رویداد مورد استناد قانع ساخته است یا نه».^۳ «ارزیابی دلیل این است که دادرسی آن را به‌دقت بررسی کند تا بتواند قانع شدن یا نشدن خود را نسبت به تحقق امر ادعایی مربوط اعلام کند».^۴ «در معنی خاص قضایی، ارزیابی دلیل، واکنش روانی است که دادرسی رسیدگی‌کننده به موضوع اعلام می‌کند که ادله و قرائن ارائه‌شده از سوی خواهان، وی را نسبت به حقایقتش قانع ساخته است یا خیر».^۵ از دیدگاه این حقوق‌دانان، ارزیابی دلیل صرفاً مرحله تعیین ارزش اثباتی دلیل را شامل می‌شود. برای تبیین دقیق مفهوم ارزیابی دلیل، ضروری است تا فرایند ارزیابی دلیل را از فرایند پذیرش و اداره دلیل تفکیک کرده، جنبه‌های ارزیابی را نیز مورد تحلیل قرار دهیم.

2. Jorg Sladic and Alan Uzelac. *Assessment of Evidence. Dimensions of Evidence in European Civil Procedure*. (Philadelphia: Wolters Kluwer), 2016, 116-117.

۳. ناصر کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵)، ۵۴.

۴. عبدالله شمس، آئین دادرسی مدنی (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۵)، ۱۰۹.

۵. علیرضا آذربایجانی، «مبانی ارزیابی ادله در آیین دادرسی مدنی ایران و فراملی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۳ (۱۳۸۷): ۲۱-۱.

۱-۱. ارزیابی دلیل و پذیرش دلیل

اداره دلیل؛^۶ نحوه اخذ دلیل، پذیرش دلیل، اعمال تشریفات استماع و نیز دستیابی به دلایلی است که به تشخیص داور، برای کشف حقیقت ضروری است. داور در مرحله پذیرش دلیل، یک ارزیابی اولیه و کلی از دلایل ابرازی، می‌نماید و در این ارزیابی، صرفاً ارتباط و موضوعیت (تأثیر) دلیل بر نتیجه دعوا را مورد بررسی قرار می‌دهد تا دلایل مقتضی برای استماع و محدوده اداره دلایل را مشخص نماید.

برخی بر این عقیده‌اند که «مرحله پذیرش دلیل و ارزیابی دلیل یکسان و واحدند و فقط امکان تکرار این بررسی در صورت عدم کفایت ارزش اثباتی دلایل مورد قبول در مرحله پذیرش دلیل، وجود دارد. به‌منظور الزام داور به برگزاری روند داوری بهینه از نظر زمان و هزینه و یکسان بودن روند بررسی ادله از حیث ارتباط و موضوعیت، این بررسی در یک مرحله انجام می‌گیرد و صرفاً امکان تکرار آن وجود دارد».^۷

اما این نظر صحیح نیست؛ زیرا همان‌گونه که پیلکو^۸ معتقد است، «آستانه پذیرش دلایل در داوری‌های بین‌المللی پایین است و داور در مرحله پذیرش دلیل، یک ارزیابی سطحی از دلایل را انجام می‌دهد».^۹ از سوی دیگر، پس از مرحله پذیرش دلیل، مرحله اداره و استماع دلایل اثباتی انجام می‌گیرد. بنابراین، ارزیابی دلایل باید بعد از مرحله اداره دلیل (استماع و بررسی دلیل مورد بحث و سایر دلایل ابرازی) صورت گیرد. اگرچه در پرونده‌هایی که دلایل معدود و واضحی، همچون اسناد غیر قابل خدشه ابراز می‌گردد که نتیجه دعوا به‌راحتی از مفاد این دلایل محرز و مشخص است، می‌توان قائل به واحد بودن و هم‌پوشانی دو مرحله پذیرش و ارزیابی دلیل شد، اما این حالت را نمی‌توان به‌عنوان یک قاعده عام و صادق در تمامی پرونده‌های داوری پذیرفت.

۱-۲. جنبه‌های ارزیابی دلیل

ارزیابی دلیل، به‌عنوان یک تحلیل ذهنی و یکی از بخش‌های ایجاد معرفت قضایی دارای سه جنبه است و داور در این مرحله و برای احراز مطابقت دلیل با واقعه مورد ادعا، از سه جنبه فعالیت ذهنی انجام می‌دهد: جنبه حقوقی، روان‌شناختی و منطقی.

6. Administration of Evidence.

7. Ahmad Alozn, and Abdulla Galadari. "Evidence admissibility and evaluation models in commercial arbitration," 6-7.

8. Konstantin Pilkov.

9. Kostiantyn Pilkov. "Evidence in international arbitration: Criteria for admission and evaluation," *Arbitration the international journal of arbitration, mediation and dispute management* (2014):154.

فارغ از اینکه قواعد ادله را جزء قواعد شکلی، ماهوی و یا مختلط تلقی نماییم، درهرحال داور مکلف به رعایت قانون ماهوی حاکم بر داوری و قرارداد طرفین است. قوانین ماهوی و قرارداد می‌تواند حاوی قرائن و اماراتی باشد که این قرائن و امارات، بر صحت ظاهری یک ادعا دلالت داشته باشند، و یا اینکه در خصوص اعتبار و میزان ارزش اثباتی برخی از دلایل و یا برای اثبات برخی از وقایع، ضوابطی را ارائه نمایند؛ برای مثال مطابق ماده ۱۳۴۱ قانون مدنی سابق فرانسه، اثبات وجود قراردادهای با ارزش بالاتر از ۱۵۰۰ یورو صرفاً با ارائه اسناد امکان‌پذیر بود و با دلایل غیر مکتوب، مانند شهادت امکان اثبات چنین قراردادهایی وجود نداشت. براین اساس، داور به‌رغم وجود اصل آزادی ارزیابی دلایل، مکلف به رعایت و اعمال این مقررات و ضوابط است.

از جنبه روان‌شناختی، داور با عوامل مختلفی مواجه است. از یک سو، تجربیات شخصی و فنی وی در سرعت نتیجه‌گیری از ارزیابی، میزان و ارزش اثباتی دلایل، و احراز وجود یا رد یک واقعه دخیل است. از سوی دیگر، نیازمند معیار و ضابطه‌ای برای ایجاد قناعت وجدانی و اطمینان از وجود وقایع مورد ادعاست. پیش‌زمینه‌های ایجاد شده مبنی بر محق بودن یا نبودن هر یک از طرفین که با مطالعه اولیه لوابیح طرفین در ذهن داور ایجاد می‌گردد و نیز استنباط منفی از عملکرد و اقدامات و یا امتناع یکی از طرفین از دستورات داور، از جنبه روان‌شناختی بر روند ارزیابی دلیل تأثیر مستقیم و بسیار اساسی دارد. از جنبه منطقی نیز تفسیر و برداشت صحیح از عناصر تشکیل‌دهنده دلیل اثباتی، روند ایجاد باور و اعتقاد، و نیز دلالت دلیل بر احراز وجود یک واقعه، جزئی اساسی از فرایند ارزیابی‌اند.

۲. اصل ارزیابی آزاد دلایل

هدف از انجام داوری و قضاوت، رفع اختلاف حقوقی طرفین از طریق کشف وقایع و مطابقت وقایع با قانون است. مرحله نخست این امر، یعنی کشف وقایع با ارائه دلیل از سوی طرفین و سنجش دلیل از حیث دلالت آن بر وجود یک واقعه مورد اختلاف، از سوی داور است. طبیعتاً، این سنجش باید در اختیار و حیطه وظایف داور باشد. بند ۲ ماده ۱۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ به تبعیت از بند ۴ ماده ۱۹ قانون نمونه داوری آنسیترال، اصل آزادی داور در ارزیابی دلایل را پذیرفته است. بند ۲ ماده ۱۹ قانون نمونه داوری آنسیترال مقرر می‌دارد: «در صورت فقدان چنین توافقی (منظور بند ۱ ماده ۱۹)، نهاد داوری می‌تواند با توجه به مفاد این قانون روند داوری را به روشی که مناسب تشخیص می‌دهد انجام دهد. اختیار اعطاء شده به نهاد داوری، شامل تشخیص قابلیت پذیرش، ارتباط، موضوعیت و ارزش هر نوع دلیل اثباتی است.»

بند ۱ ماده ۹ قواعد کانون بین‌المللی وکلا در خصوص اخذ دلیل در داوری‌های بین‌المللی نیز بیان می‌دارد: «نهاد داوری می‌تواند قابلیت پذیرش، مرتبط بودن، موضوعیت و ارزش دلایل اثباتی را تعیین نماید».

بند ۴ ماده ۲۷ قواعد داوری آنسیترال، بند ۶ ماده ۲۰ قواعد انجمن داوری آمریکا و بند ۱ ماده ۲۲ قواعد داوری دیوان بین‌المللی داوری لندن نیز با عباراتی مشابه، اصل ارزیابی آزاد دلایل را در داوری‌های بین‌المللی پذیرفته‌اند.

قاعده مقرر در این مجموعه قواعد، منطبق بر واقعیت و ویژگی‌های خاص داوری‌های بین‌المللی است. نهاد داوری در صورت فقدان توافق یا قانون آمره، باید نحوه اداره و ارزیابی دلیلی را بر اساس مقتضیات واقعیت‌های خاص هر پرونده سازمان‌دهی نمایند. این قاعده، به‌عنوان یک قاعده اساسی در روند داوری، شیوه دادرسی و نیز رسیدگی به دلیل را در جهت کارایی، کشف واقع و اجرای عدالت منعطف می‌نماید. بر اساس مفاد این مقررات، حدود آزادی و اختیار نهاد داوری در اداره و ارزیابی دلیل روشن است. در وهله نخست، انتخاب و اراده طرفین داوری و در وهله دوم، قواعد آمره داوری مانند اصل بی‌طرفی، رفتار برابر و حق استماع و ... به‌عنوان محدودیت‌های آزادی و اختیار نهاد داوری در رسیدگی به دلایل اثباتی است.

مقصود از ارزیابی آزاد دلیل، این است که معیار داور در تعیین ارزش و اعتبار دلایل اثباتی، وجدان و معرفت قضایی است و داور در هر حال، از رعایت قواعد و مقررات آمره، همچون قانون ماهوی، اصل بی‌طرفی و ... و همچنین قواعد عمومی منطق و استدلال، رها نیست.

۲-۱. اعتبار دلیل^{۱۰}

«مقصود از اعتبار دلیل، قابل اطمینان بودن سند از حیث مطابقت آن با واقعیت است. در مرحله پذیرش دلیل، کافی است که دلیل ابرازی، از یک اعتبار ظاهری برخوردار باشد، اما در مرحله ارزیابی و تعیین ارزش اثباتی برای دلیل، اولین و مهم‌ترین عامل، قابل اطمینان بودن دلیل است که داور برای ارزیابی صحیح، دقت و توجه زیادی بر آن دارد؛ برای مثال در ارزیابی دلیل و تعیین ارزش اثباتی یک سند، اصالت سند پیش‌شرط استناد و استفاده از آن است. بسته به ماهیت و تعریف هر دلیل، برای ارزیابی اعتبار و قابلیت اطمینان به دلیل، از شاخصه‌های داخلی و خارجی استفاده می‌شود. عناصر تشکیل‌دهنده سند (امضاءها و خطوط و متون مندرج در آن) شاخصه‌های داخلی و سایر دلایل مورد استناد برای صحت و اعتبار سند، مانند شهادت شهود حاضر در زمان

10. Credibility of Evidence.

تنظیم آن و یا گزارش کارشناس تشخیص اصالت سند، شاخصه‌های خارجی برای تعیین اعتبار دلایل اثباتی هستند».^{۱۱}

برخی از قواعد حذف دلیل، از جمله حذف دلایل مخدوش یا اسنادی که به وسیله طرف استنادکننده ایجاد شده و طرف مقابل یا شخص ثالث بی‌طرف نقشی در تنظیم آن نداشته است، قواعد و اختیارات تحقیق از شهود و کارشناسان برای راستی‌آزمایی صحت اظهارات آن‌ها، و همچنین قاعده منع اخذ شهادت غیرمستقیم یا افواهی،^{۱۲} همگی مربوط به سنجش اعتبار دلیل است؛ برای مثال، منع اخذ شهادت غیرمستقیم، به این دلیل است که برای داور امکان بازبینی در تشکیل این دلیل و راستی‌آزمایی آن برای مطابقت با واقعیت وجود ندارد؛ اگرچه به عقیده برخی، «عدم استماع این دلیل می‌تواند مانع از کشف واقعیت شود»،^{۱۳} اما به این دلیل که امکان اثبات خلاف واقع بودن این دلیل، پس از صدور رأی نسبت به دیگر دلایل اثباتی زیاد است، به تبع آن احتمال بی‌اعتباری و عدم اطمینان به رأی داوری افزایش می‌یابد و در واقع، امکان وقوع تقلب و خطا در آن زیاد است؛ بنابراین ممنوعیت این نوع از دلایل اثباتی ترجیح دارد.

۲-۲. ارزش اثباتی دلیل^{۱۴}

داور در ارزیابی یک دلیل، با در نظر گرفتن تمامی دلایل و امارات و استدلال‌های طرفین به سنجش و تعیین ارزش اثباتی دلیل می‌پردازد. ارزش دلیل به صورت مستقیم به این امر بستگی دارد که آیا این دلیل توانسته است باور به وجود واقعه مرتبط با آن دلیل (واقعه‌ای که برای اثبات آن، دلیل مورد نظر ارائه گردیده است) را ایجاد نماید؟ به عبارت دیگر، همان‌گونه که پیلکو بیان می‌دارد: «ارزش و وزن دلیل به تأثیر متقاعدکنندگی آن بر ذهن داور اشاره دارد».^{۱۵}

11. Kostiantyn Pilkov. "Evidence in international arbitration: Criteria for admission and evaluation," 152.

۱۲. Hearsay: شهادتی است که اداکننده آن عنوان می‌کند که شخصاً شاهد واقعه نیست و واقعه را از زبان شخصی دیگر که اظهار داشته شاهد واقعه بوده است، بیان می‌کند. مطابق قاعده، برای اینکه چنین شهادت و شاهی قابل راستی‌آزمایی از طرق مجری در خصوص شاهد واقعه نیست، چنین شهادتی به عنوان دلیل اثباتی (در داوری‌های بین‌المللی) پذیرفته نیست، اما در برخی از مقررات داخلی انگلیس و ایالات متحده آمریکا، استماع چنین شهادتی در برخی موارد مجاز است: (Black, 2004: 790)

13. Hock Lai Ho. *A philosophy of evidence law: Justice in the search for truth*. (Oxford: Oxford University Press), 2008, 22.

14. Weight of Evidence.

15. Kostiantyn Pilkov. "Evidence in international arbitration: Criteria for admission and evaluation," 156.

برای ایجاد باور به وجود یک واقعه از طریق دلیل اثباتی، صرفاً اعتقاد و باور شخصی داور ملاک نیست، بلکه این رابطه بین دلیل با واقعه (ادعا)، باید یک ارتباط و پیوستگی منطقی داشته باشد. با وجود شرایط و ارتباط منطقی بین دلیل و واقعه مورد ادعاست که باور و اعتقاد نوعی به وجود واقعه و اثبات ادعا ایجاد می‌گردد و براین اساس، دلیل مورد بحث دارای ارزش اثباتی معتبر خواهد بود.

بنابراین، نوعاً در بین دلایل اثباتی، نمی‌توان سلسله مراتبی از نظر میزان ارزش اثباتی ترسیم کرد. با وجود این، برخی از دلایل، غالباً دارای احتمال بسیار بالایی از دلالت بر واقع‌اند؛ برای مثال نهادهای داوری بین‌المللی تمایل دارند تا اسناد تنظیم‌شده در زمان اختلاف واقعه‌ی مورد نظر^{۱۶} و مکاتبات آن دوره را به‌عنوان دلایلی موثق و نزدیک به واقعیت تلقی نمایند؛^{۱۷} زیرا به دلیل فقدان فاصله زمانی بین ایجاد دلیل و واقعه مورد نظر، احتمال دخالت و تغییر در آن غالباً ناچیز است؛ برای مثال هیئت داوری در پرونده‌ای،^{۱۸} دلیل ارائه‌شده از سوی خواهان را به دلیل اینکه اظهارات مبهم شاهد وی، به‌وسیله اسناد هم‌زمان پشتیبانی نمی‌گردیدند، برای اثبات امر موضوعی کافی ندانست.^{۱۹} همچنین در پرونده‌ای دیگر، هیئت داوری، دعوای متقابل خوانده را به این دلیل که اظهارات وی در تعارض با اظهاراتی بود که در زمان وقوع اتفاقات موضوع نزاع بیان شده بود، رد کرد.^{۲۰}

۳. ضابطه اثبات^{۲۱}

یکی از قواعد پیش روی داور، در فرایند ارزیابی دلایل برای رسیدن به مرحله احراز ثبوت وقایع، «معیار اثبات» است. ضابطه اثبات، به‌عنوان آستانه تصمیم‌گیری در اثبات وقایع است، آستانه و حدی که اگر اعتقاد ناشی از ارزیابی دلایل به وجود واقعه مورد ادعا به آن حد برسد، داور وجود

16. Contemporaneous Evidence.

17. Robert Pietrowski. "Evidence in international arbitration." *Arbitration International*, (2006): 392 & Magnum NG Yu Wai. *Evidence in arbitration: The law and practice on taking of evidence in international arbitration proceedings: An eclectic approach of Common Law and Civil Law systems*. (Frankfort: VDM Verlag), 2009, 19, 31.

18. Woodward-Clyde Consultants v. The Government of the Islamic Republic of Iran. Accessed June 8, 2022. <https://b2n.ir/e24150>

19. Pomeroy's El Paso Transfer Co (USA) v United Mexican States. Accessed June 8, 2022. <https://b2n.ir/j55646>

20. Stewart Abercrombie Baker and Mark David. *The UNCITRAL Arbitration Rules in Practice: The Experience of the Iran-United States Claims Tribunal*. (New York: Springer), 1992, 239, 249.

21. Standard of Proof.

ارزیابی دلیل و ضابطه‌های اثبات در داوری‌های تجاری بین‌المللی / دلیر و ... ۲۵۳

وقایع مورد ادعا را تأیید می‌نماید؛ بنابراین ضابطه اثبات، مربوط به مقوله اطمینان در روند ایجاد باور و اعتقاد است.

در تشریح جنبه‌های ارزیابی دلیل، دانستیم که فرایند اثبات و مرحله ارزیابی، دارای جنبه روان‌شناختی نیز هست. «جنبه روان‌شناختی ارزیابی دلیل، مربوط به مباحث توصیفی، در مورد آنچه است که داوران در مرحله جستجوی وقایع می‌اندیشند و انجام می‌دهند؛ برای مثال اعضای هیئت داوری چگونه دلایل اثباتی را پردازش و ارزیابی می‌کنند؟ معیار و ضابطه اثبات چیست؟ داور در مرحله ارزیابی دلیل و برای ایجاد قناعت وجدانی و اعتقاد بر وجود یک واقعه، باید به چه وضعیتی از نظر روانی و ذهنی برسد؟»^{۲۲}

بی‌شک، فرایند ارزیابی دلیل و احراز وقایع، نیازمند یک ضابطه و معیار مشخص است تا روند ارزیابی و مرحله اثبات ضابطه‌مند گردد. بدین طریق، تصمیم‌گیری داوران بر مبنای تشخیص‌های احساسی و شخصی ممنوع است و تصمیم‌گیری آن‌ها، معیار و مبنای عینی و غیر فردی خواهد داشت. از سوی دیگر، با مشخص شدن ضابطه اثبات، طرف مدعی، در ارائه کامل بار اثبات، آگاهی کاملی از وضعیت خود خواهد داشت. ارزیابی دلیل و بار اثبات، ارتباط و پیوستگی نزدیکی به هم دارند. این معیار و ضابطه اثبات است که تأمین بار اثبات و انتقال آن را مشخص می‌نماید.

۳-۱. اقسام ضابطه‌های اثبات در داوری‌های تجاری بین‌المللی

قوانین ملی یا قواعد مدون در حوزه داوری‌های تجاری بین‌المللی، هیچ‌گونه ضابطه و معیاری برای اثبات پیش‌بینی نکرده‌اند، اما رویه‌های داوری به تبعیت از رویه قضایی نظام‌های حقوقی، دو نوع ضابطه و معیار برای اثبات ایجاد کرده‌اند.^{۲۳}

۳-۱-۱. ضابطه توازن احتمالات

ضابطه‌ای که اکثراً در داوری‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت است از: «ضابطه توازن احتمالات»^{۲۴} که مورد تأیید دیوان‌های داوری، از جمله ایکس‌سید (مرکز حل و فصل اختلافات

22. Michael S. Pardo. "Epistemology, psychology, and standards of proof: An essay on risinger's surprise theory." *Seton Hall L. Rev.* 48 (2017): 3.

۲۳. برخلاف رویه دیوان‌های داوری تجاری بین‌المللی، در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری‌های بین‌الدولی سه نوع ضابطه اثبات ارائه شده است: ۱. ضابطه اثبات علی‌الظاهر (prima faice proof)؛ ۲. ضابطه اثبات کافی، غیر قابل انکار و متقاعدکننده (sufficient proof or preponderance of evidence)؛ ۳. اثبات قطعی و غیر قابل تردید (proof beyond reasonable doubt) (سیدحسین سادات میدانی، «ضابطه یا استاندارد اثبات دعوا در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه حقوق ۴۲، شماره ۱ (۱۳۹۱): ۱۶۱-۱۷۹).

24. Balance of Probabilities Test.

سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر) است که از داوران مجرب و خبره تشکیل شده است. این ضابطه، در صورتی تأیید می‌نماید که ادعای طرح‌شده محرز است که نهاد داوری حسب دلایل ابرازی متقاعد گردد تا ادعا صحیح است. ضابطه توازن احتمالات، ضابطه‌ای است که رویه قضایی نظام کامن‌لا، برای اثبات دعاوی مدنی اعمال می‌نماید و این سازوکار، به‌وسیله داورانی که تربیت‌یافته این نظام حقوقی بوده‌اند وارد رویه نهادهای داوری تجاری بین‌المللی شده است و در مورد اکثریت دعاوی مطرح در داوری بین‌المللی، از جمله در پرونده‌های مربوط به نقض قرارداد یا تعهد، تفسیر شروط قراردادی و ادعاهایی که ناشی از نقض پیمان‌های بین‌المللی در ارتباط با موضوع سرمایه‌گذاری است، مورد استفاده قرار گرفته است.

«چنین ضابطه‌ای به این معناست که یک گزاره (احتمال)، بیشتر از گزاره‌های دیگر واقعی به نظر می‌رسد. اگر داور به این نتیجه برسد که احتمال مطابقت مدلول دلیل ابرازی با واقعیت از گزاره‌های دیگر بیشتر است، در این صورت بار اثبات دعوا تأمین شده است، اما اگر این احتمالات برابر باشند، بار اثبات تأمین نشده است. چنین معیار اثباتی، نشان می‌دهد که جامعه نسبت به چنین دعاوی خصوصی نگرانی حداقلی دارد و به این دلیل، بار اثبات فقط برتری دلایل است».^{۲۵}

۲-۱-۳. ضابطه دلایل روشن و قانع‌کننده

ضابطه‌ای که در برخی زمان‌ها، جایگزین «ضابطه توازن احتمالات» می‌گردد، ضابطه «اعتقاد درونی»^{۲۶} است که محصول نظام سیویل لاس است.

«این ضابطه، بر واکنش شخصی داور، نسبت به دلایل ارائه‌شده تمرکز دارد و این امر را مورد توجه قرار می‌دهد که آیا داور، شخصاً دریافته است که دلایل ابرازی، به آن سطحی رسیده که معلوم گردد وی از صحت ادعا، رضایت حاصل کرده است؟ برخی معتقدند که ضابطه اعتقاد درونی ممکن است در مقایسه با آنچه مورد استفاده نهادهای داوری بین‌المللی است، سطح بالاتری از اثبات را ایجاد نماید، اما این نتیجه‌گیری مورد اختلاف است».^{۲۷} همان‌طور که بیان شد، «ضابطه توازن احتمالات» کاربرد بسیار زیادی در داوری‌های بین‌المللی دارد و در برخی موارد، «ضابطه اعتقاد درونی» جایگزین آن می‌گردد.

25. Mateus Aimoré Carretero. "Burden and standard of proof in international arbitration: proposed guidelines for promoting predictability," *Revista Brasileira de Arbitragem* 13, no. 49 (2016): 92-93.

26. Inner Conviction Test.

27. Bernard Hanotiau. "Satisfying the Burden of Proof: The Viewpoint of a Civil Law Lawyer." *Arbitration International* 10, no. 3 (1994): 352.

«ضابطه حاضر این نتیجه را در پی دارد که یک گزاره (احتمال) باید به‌طور قابل توجهی منطبق با واقعیت باشد. هنگامی که جامعه به دنبال حفاظت از برخی حقوق مهم است، حقوق نیز در رابطه با وقایع مربوط به حمایت از یک ادعای مهم، خواستار معیارهای بالاتری از احتمال صدق اثبات است. در این صورت، بار اثبات مدعی افزایش می‌یابد».^{۲۸}

«اگرچه قوانین ملی مربوط به داوری‌های بین‌المللی و نیز مجموعه قواعد منتشرشده در این حوزه، اصل را بر ارزیابی آزاد دلایل گذارده و هیچ‌گونه معیار و ضابطه‌ای را برای اثبات وقایع تعیین نکرده‌اند، اما مجموعه قواعد منتشرشده، از جمله قواعد اتحادیه بین‌المللی وکلا و آنسیترال، در مجموع معیار «اطمینان کافی» را در مسئله ضابطه و معیار اثبات، لازم می‌دانند».^{۲۹} به نظر می‌رسد که سکوت قوانین و مجموعه قواعد داوری در خصوص قواعد و ضابطه اثبات، عمدی است؛ چون داوران و طرفین دعوا، عموماً از نظام‌های حقوقی مختلف دخالت دارند، وضع قواعد در این خصوص دشوار است و این نقصان با خصوصیت انعطاف‌پذیری داوری قابل حل است.

هرچند هم‌اکنون، هیچ‌یک از قوانین ملی (اعم از قوانین شکلی یا ماهوی) ضابطه‌ای را به‌عنوان ضابطه اثبات، معتبر و لازم‌الرعايه برای اثبات وقایع مقرر نکرده‌اند، اما برخلاف نظر ردفرن^{۳۰} که معتقد است ضابطه اثبات مربوط به امور ماهوی است،^{۳۱} چنین به نظر می‌رسد که ضابطه اثبات، نه مربوط به امور ماهوی و نه مربوط به امور شکلی است، بلکه دارای ماهیتی مستقل است که جزء مقولات معرفت‌شناختی و عقلی است که تعیین و اعمال آن، بر اساس تشخیص و صلاح‌دید داور است. البته در مواردی که طرفین شخصاً ضابطه معینی را برای داوری انتخاب کرده باشند، داور مکلف به رعایت و اعمال ضابطه تعیین‌شده است.

۴. ارزیابی دلیل بر اساس ضابطه اثبات

آخرین مرحله ارزیابی دلیل، اعمال ضابطه اثبات برای تصمیم‌گیری در خصوص ادعای مطروحه است. در این مرحله، تمرکز داور بر دلالت دلیل بر واقعه است. داور در اعمال ضابطه اثبات بر فرایند ارزیابی دلیل، برای احراز وقوع یک واقعه و پذیرش یا رد ادعا و رسیدن به یک اعتقاد، با چندین عامل و الزام مواجه است. مهم‌ترین این عوامل اطمینان و احتیاط است.

28. Mateus Aimoré Carreteiro. "Burden and standard of proof in international arbitration: proposed guidelines for promoting predictability," 2016: 103.

29. Allan Redfern "et al." "The standards and burden of proof in international arbitration." *Arbitration International* 10, no. 3 (1994):326.

30. Alan Redfern.

31. Allan Redfern "et al." "The standards and burden of proof in international arbitration." 328.

۱-۴. اطمینان^{۳۲}

سنجش و ارزیابی، یک تجزیه و تحلیل ذهنی و تحت تأثیر عوامل مؤثر در ذهن و روان است. عوامل اخلاقی، علایق شخصی، انگیزه و نگرش‌های عاطفی داور می‌توانند در ایجاد اعتقاد و یا تردید در وجود واقعه و اثبات یک ادعا تأثیر بگذارند؛ ولی این موارد نباید بر عقلانیت معرفتی داور تأثیر بگذارند. داور باید با آگاهی و اعتقاد به اهداف دادرسی، مانند کشف حقیقت و اجرای عدالت، در نهایت بی‌طرفی و رفتار برابر با طرفین، مسیری ویژه را در معرفت‌شناسی انتخاب نماید. «یکی از الزامات قضاوت عادلانه و منطقی این است که داور به‌طور قطعی، وجود یا عدم وجود واقعه مورد ادعا را دریابد. اطمینان، به‌عنوان شرط اعتقاد حقیقی و علم معرفی شده است. بدین نحو که اگر من به‌راحتی بتوانم در مورد یک گزاره و اعتقاد به آن به اشتباه بیفتم، پس اعتقاد من اطمینان‌بخش و سالم نیست».^{۳۳} مقصود از اطمینان، اطمینان در شیوه ایجاد باور و اعتقاد و نیز شیوه استنتاج در احراز وقایع است. درجه اطمینان در باور و اعتقاد به وجود وقایع را نباید با شدت احساسات و هیجان درباره وجود آن واقعه خلط کرد. وقتی داور به مرحله‌ای می‌رسد که باور می‌کند واقعه مورد ادعا وجود دارد، هم‌زمان هم درمی‌یابد که اعتقادش به وجود آن واقعه درست است.

امور موضوعی باید بر اساس اعتقاد قطعی احراز شوند. مراد از اعتقاد قطعی، رسیدن به آن میزان از اعتقاد نیست که داور بداند به‌هیچ‌عنوان، احتمال کذب بودن این اعتقاد وجود ندارد، بلکه داور باید از طریق منطقی و متعارف، به این باور برسد که واقعه مورد ادعا وجود دارد؛ نه اینکه در وضعیتی که احتمال وجود یا عدم وجود واقعه‌ی مورد ادعا، به‌طور هم‌زمان به همدیگر نزدیک بوده است و به دلیل اینکه، یکی از این احتمالات بدون وجود دلیل اثباتی و یا قرینه معتبر و صرفاً به این دلیل که جانب یکی از این احتمالات بنا به احساس داور قوی‌تر می‌نماید، بر احتمالات دیگر ترجیح داده شود و نتیجه این احتمال منتخب، به‌عنوان باور و اعتقاد تلقی گردد، بلکه داور باید در مراحل و مقدمات رسیدن به اعتقاد، اطمینان از صحت و اعتبار خرده‌باورها و ارکان استدلال برای نتیجه‌گیری در مورد وقایع مرتبط و مؤثر در نتیجه دعوی را داشته باشد.

معرفت‌شناسان برای اطمینان از اعتبار یک اعتقاد و باور وجود، دو شرط را لازم می‌دانند: یکم، باور باید صادق باشد. دوم، باور باید موجه باشد.

32. Confidence.

33. Mateus Aimoré Carreteiro. "Burden and standard of proof in international arbitration: proposed guidelines for promoting predictability," 108.

۴-۱-۱. باور باید صادق باشد

«صدق به معنی حقیقت، و صادق بودن باور، به معنی مطابقت باور با حقیقت و عالم واقع است».^{۳۴} معرفت‌شناسان، نظریات مختلفی را برای معیار صدق مطرح کرده‌اند. دو نظریه معروف در باب صدق، نظریه مطابقت و نظریه انسجام‌گرایی است که در باب معرفت‌شناسی اثبات در دعاوی مدنی، نظریه انسجام‌گرایی بر دیگر نظریات برتری دارد. ساده‌ترین صورت‌بندی این نظریه، چنین است: گزاره p گزاره‌ای صادق است. اگر و تنها اگر گزاره p عضوی از مجموعه منسجم از گزاره‌ها باشد و همچنین تا اندازه‌ای واضح‌تر می‌توان گفت گزاره p گزاره‌ای صادق است اگر و تنها اگر گزاره p با دیگر گزاره‌های یک مجموعه بسامان (سیستم) در انسجام باشد. این نظریه، معیاری منطقی و قابل پذیرش در باب صدق باورهای قضایی است. داور نمی‌تواند نتیجه‌گیری در مورد دعوا را به زمان نامعلوم رسیدن به مطابقت قطعی باور و اعتقاد خود با عالم واقع موکول کند، بلکه باید در زمانی محدود نتیجه تحقیقات خود را در خصوص دعوا اعلام نماید و از داور انتظار می‌رود تا در این مدت محدود، به اطمینان متعارف و معقول از مطابقت باور و اعتقاد خود با عالم واقع برسد. هگل در باب ارتباط واقعیت با عقل، جمله معروفی دارد که آن را بنیاد فلسفه خود می‌داند: «هرچه معقول است واقعی است و هرچه واقعی است معقول است».^{۳۵} باورهای تشکیل‌دهنده یک اعتقاد و علم معقول دارای انسجام و هماهنگی کامل بوده، یک مجموعه بسامان را تشکیل می‌دهند. سازگاری و هماهنگی باورهای تشکیل‌دهنده علم و اعتقاد قضایی (افزون بر الزامات روان‌شناختی، منطقی و حقوقی باور) معیاری مناسب و منطقی برای صدق یک اعتقاد قضایی است. صرف عدم ناسازگاری و عدم تناقض بین باورهای تشکیل‌دهنده یک اعتقاد قضایی، نمی‌تواند به‌تثابی مبنایی برای صدق اعتقاد و باور قضایی باشد، بلکه سازگاری و هماهنگی و همسو بودن باورها، مبنا و معیاری برای صحت اعتقاد و باور قضایی خواهد بود. داور به‌عنوان جستجوگر وقایع، باید به‌طور متعارف و معقول نسبت به وقایع مرتبط با پرونده، اعتقاد و معرفت حاصل کند. معیار و میزان اعتقاد متعارف، همان ضابطه اثبات است، اما آنچه اعتقاد به صادق بودن باور قضایی را به‌طور معقول ایجاد می‌نماید، انسجام (تناسب) باورهای فرد در خصوص یک موضوع است.

۴-۱-۲. باور باید موجه باشد

برای معتبر بودن یک باور، آن باور باید با نوعی دلیل یا مبنا پشتیبانی شود. «یک معرفت و باور باید درست‌ساخت باشد و بر اساس فهم متعارف و متکی به قرائن و دلایل ایجاد گردد و نه اینکه داور

۳۴. عبدالحسین خسروپناه، «تئوری‌های صدق»، خردنامه صدرا، شماره ۲۲ (۱۳۷۹): ۳۰-۴۴.

۳۵. یوستوس هارتاک، درآمدی بر منطق هگل، ترجمه حسین مافی مقدم (تهران: انتشارات نقد و فرهنگ، ۱۳۹۷)، ۱۱۱.

برای باوری که بدون ساختار صحیح ایجاد گردیده است قرینه‌ای هم داشته باشد^{۳۶}. به‌طور مثال، داور رأساً با پیش‌داوری و بدون توجه به دلایل اثباتی موجود به یک باور برسد و بعد از ایجاد باور، متوجه گردد که اظهارات گواه یا کارشناس نیز با این باور او موافق است و به آن دلایل نیز استناد نماید. برخی از معرفت‌شناسان، صرف صادق و موجه بودن را برای اطمینان از صحت باور کافی ندانسته، با طرح مثال‌های نقض این نظریه را مورد انتقاد قرار داده‌اند.^{۳۷} «برای رد انتقادات مطرح‌شده و برای ارتقای اعتبار باور صادق موجه، سه راهکار پیشنهاد شده است: یکم: اجتناب از دلایل نامعتبر. جستجوگر وقایع را مکلف می‌کند تا در بررسی دلایل و قرائن مبنای ایجاد باور توجه بیشتری نماید و باور و اعتقاد خود را بر دلایل کذب و فاقد اعتبار استوار ننماید. دوم: رویکرد ابطال‌پذیری. یعنی اینکه بنا به طبیعت خبری باور، در هر مرحله که با رسیدن به دلایل و قرائن قوی‌تر، کذب بودن باور سابق کشف گردید، باور کاذب سابق را از مجموعه باورهای تشکیل‌دهنده معرفت و علم حذف و یا اصلاح نمایند. سوم: رویکرد علیّ. یعنی اینکه یک رابطه علیّ میان واقعیت و باور فرد به آن واقعه وجود داشته باشد. رویکرد علیّ و وجود رابطه علیّ در باور صادق موجه برای توسعه و اعتبار آن، امری ضروری است و احتمال کذب بودن باور را می‌کاهد».^{۳۸}

ضرورت اطمینان در ایجاد اعتقاد، به این معنا نیست که اعتقاد و باور از نظر قوت یا ضعف دارای درجه نباشد. قوت و ضعف یک اعتقاد، صرفاً این اثر را دارد که اگر اعتقاد بسیار قوی به وجود یک واقعه ایجاد گردد، قانع کردن داور به اشتباه بودن این اعتقاد و اثبات کذب بودن آن ادعا از سوی طرف مقابل امری بسیار دشوار است، اما اثبات کذب بودن ادعایی که داور بر صحت آن اعتقاد و باور با قوام کمتری دارد، به مراتب راحت‌تر خواهد بود. اطمینان در فرایند ایجاد اعتقاد و باور، برای تأمین آستانه و معیار اثبات در هر نوع از معیارهای اثبات شناخته‌شده، به‌عنوان یک عامل ضروری، ثابت و نامتغیر است و بر اساس شدت و ضعف اعتقاد و باور برای تأمین معیارهای اثبات تغییر نمی‌کند.

۲-۴. احتیاط^{۳۹}

ارزیابی دلیل و نتیجه‌گیری معتبر در خصوص وجود یا عدم وجود یک واقعه بر اساس دلایل اثباتی، الزاماً باید بر یک استدلال منطقی استوار باشد. در بحث اطمینان دیدیم که اطمینان، یک عامل ثابت در این فرایند است که بدون توجه به شدت و ضعف و یا سلسله‌مراتب، در هر ارزیابی و نتیجه‌گیری ضروری است و این ضرورت یکی از مبانی و الزامات استدلال منطقی است، اما

۳۶. لموس نوح، درآمدی بر نظریه معرفت، ترجمه مهدی فرجی پاک و عاطفه حقی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۵)، ۲۱.

۳۷. رابرت ام مارتین، معرفت‌شناسی، ترجمه نسترن ظهیری (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۴)، ۳۳.

۳۸. نوح، درآمدی بر نظریه معرفت، ۳۰.

احتیاط، یک عامل زاده طبیعت قضاوت است و در به‌کارگیری استدلال‌های منطقی در سایر علوم، عمدتاً جایگاه قابل توجهی ندارد.

تفاوت عالم ثبوت و اثبات و لزوم اثبات حق در منازعات حقوقی، همیشه این خطر را در پی دارد که اموری واقعی در منازعات حقوقی به اثبات نرسند و یا اینکه اموری که وجود آن‌ها با دلایل غیرواقعی و ظاهراً معتبر به اثبات رسیده‌اند، در عالم ثبوت واقعیت نداشته باشند. این خطر، یک واقعیت جدانشدنی از قضاوت انسانی است و نظام‌مند کردن قواعد دلیل و دادرسی، دقت و توجه قضایی نیز صرفاً میزان این خطر را کاهش می‌دهند. عامل احتیاط می‌تواند در فرایند اداره و ارزیابی دلیل، میزان خطر یادشده را کاهش دهد.

احتیاط در خصوص موضوع قضاوت، اهمیت آن و عواقب ناشی از آن موجب شده است تا برای اثبات امور کیفری، ضابطه‌ای سخت‌تر از ضابطه و معیار اثبات در امور حقوقی تحت عنوان «ضابطه فراتر از شک معقول»^{۴۰} ایجاد و اعمال گردد؛ زیرا عموماً صدمات ناشی از یک رأی اشتباه در امر کیفری، به مراتب بیشتر از صدمات یک رأی حقوقی اشتباه است.

احتیاط، یک عامل نسبی است و بر اساس شرایط و وضعیت هر دعوی متفاوت خواهد بود و هیچ معیار کمی برای سنجش آن وجود ندارد. برای درک بهتر موضوع، دادرسی را با رانندگی قیاس می‌کنیم. فرض کنید یک راننده در آزادراهی رانندگی می‌کند که بار ترافیکی کمی دارد. راننده دوم در یک مسیر کوهستانی باریک و با بار ترافیکی سنگین در حال رانندگی است، و راننده سوم در یک مسیر کوهستانی باریک و لغزنده که یک لبه جاده دره است، رانندگی می‌کند. اگر راننده اول با رعایت فاصله طولی با اتومبیل جلوتر و با حداکثر سرعت مجاز در حال حرکت باشد، احتیاط لازم را در رانندگی دارد. راننده دوم برای داشتن یک رانندگی با احتیاط، باید بدون در نظر گرفتن حداکثر سرعت مجاز جاده و صرفاً با توجه به بار ترافیکی و رعایت فاصله طولی و شرایط جاده سرعت خود را تنظیم کند و برای اجتناب از حادثه، دقت و تمرکز بیشتری داشته باشد، اما رانندگی با احتیاط برای راننده سوم شرایط بسیار ویژه‌ای دارد. او باید برای جلوگیری از لغزش به‌آرامی حرکت کند، از ترمز ناگهانی و شدید خودداری کند و با دقت به رانندگی اتومبیل جلوتر و نیز توجه به خط لبه جاده، با تمرکز بیشتری رانندگی نماید. در هر یک از موقعیت‌های سه‌گانه فوق، میزان احتیاط لازم برای یک رانندگی بی‌خطر با همدیگر متفاوت است.

40. Beyond Reasonable Doubt.

به همین نسبت، می‌توان تصمیم‌گیری و داوری در خصوص موضوعاتی، مانند دستور موقت و تأمین خسارت احتمالی، داوری در یک موضوع ساده و با حجم مالی متوسط را با راندگی در وضعیت اول قیاس کرد. داور در این‌گونه موارد، وسواس و شدتی در توجه به جزئیات اثر تصمیم خود ندارد و در یک فرایند عادی تصمیم‌گیری می‌نماید.

در پرونده‌هایی که حجم مالی دعوا به مراتب بیشتر است و یا اینکه موضوعات مهمی که به‌نوعی دارای جنبه کیفری و یا حیثیتی هستند، مانند اینکه داور به ادعای رشاء و ارتشاء، کلاه‌برداری، خیانت در امانت، کلاه‌برداری و جعل که در پرونده حقوقی مطرح شده‌اند، رسیدگی می‌نماید و یا موضوع، به حیثیت تجاری یک شخص ویژه و یا اسرار تجاری وی مربوط می‌شود، داور در وضعیت راننده دوم قرار دارد. او باید با رعایت کلیه اصول داوری و قواعد ادله و با دقت به دلایل مطروحه رسیدگی نماید و با در نظر گرفتن کلیه دلایل ابرازی، با نگاه به واقعیت و عدالت، دلایل اثباتی را ارزیابی کرده، با تطبیق دلایل معتبر بر ادعا و با اعتقادی قوی تصمیم‌گیری نماید. در مواردی که دعوا از اهمیت زیادی برخوردار است و طرفین با طرح ادعاهای مختلف و پیچیده، استدلال‌ها و دلایل معارض را هم ارائه می‌نمایند، داور در وضعیتی مشابه وضعیت راننده سوم قرار دارد.

داور برای تشخیص واقعیت، ضمن دقت و توجه کافی به روند اداره و ارزیابی دلایل، ممکن است بارها به بررسی و تحلیل مجدد دلایل و استدلال‌های معارض طرفین که هر کدام دارای ارزش و اعتبار مشابه هم هستند، بپردازد. کوچک‌ترین بی‌توجهی و یا بی‌احتیاطی در روند رسیدگی، اداره و استماع دلایل اثباتی، ارزیابی دلایل، سنجش و ترجیح دلیل اثباتی قوی و مطابق با واقعیت از میان دلایل اثباتی معارض، می‌تواند موجب خطا در صدور حکم گردد. حکمی برخلاف حق و حقیقت که در صورت عدم امکان ابطال یا بی‌اعتباری در مرحله اجرا، ضررهای قابل توجه و غیر قابل تحملی را در پی دارد.

احتیاط در اداره و ارزیابی دلیل، از عواملی است که می‌تواند موجب کاهش احتمال مغایرت حق در عالم ثبوت و اثبات گردد. «میزان احتیاط لازم برای هر پرونده، بستگی به اهمیت آن موضوعی دارد که با تصمیم داور در معرض خطر است و این شرایط دعوی است که رفتار محتاطانه را شکل می‌دهد».^{۴۱} براین اساس، داور یک میزان و شیوه احتیاطی خاص را برای هر پرونده در نظر می‌گیرد و برای اداره و ارزیابی هرگونه دلیل اثباتی و یا دفاع طرفین، آن را به یک میزان اعمال می‌نماید. اگر سنگین بودن خسارت مورد ادعا، به این دلیل که می‌تواند کل دارایی خواننده را در

41. Hock Lai Ho. *A philosophy of evidence law: Justice in the search for truth*. (Oxford: Oxford University Press), 2008, 87.

معرض خطر قرار دهد، داور را ملزم می‌نماید تا احتیاطی ویژه در رسیدگی خود اعمال نماید، داور باید همان احتیاط ویژه را به صورت برابر برای خطر محرومیت خواهان از تحصیل چنین غرامتی اعمال نماید و نباید دیدگاهی، همچون دیدگاه حاکم بر رسیدگی‌های کیفری، با شیبهی متمایل به برائت متهم داشته باشد.

باور و اعتقاد گزاره‌ای، با دو ابزار ادراک حسی^{۴۲} و یا ادراک عقلی^{۴۳} و بر اساس تفکر و استدلال حاصل می‌شود. این استدلال می‌تواند هر نوعی از استدلال‌های منطقی باشد. وقتی اعتقادی را بر اساس یک استدلال به دست می‌آوریم، سطحی معین از دقت و تفکر را در ایجاد آن اعتقاد به کار می‌گیریم. درک حسی نیز بر اساس مشاهده مستقیم و یا با استفاده از دلایل اثباتی و قرائن موجود در پرونده ایجاد می‌گردد. چون در امور قضایی نمی‌توان هر موضوعی را به‌طور مستقیم و با استفاده از حواس پنج‌گانه مورد درک حسی قرار داد، در این موارد برای درک عقلی آن‌ها، داور ناگزیر به استفاده از دلایل اثباتی است؛ برای مثال عین مال مورد اختلاف در محل دوری قرار دارد یا از بین رفته و یا اختلاف در خصوص اموال فکری است.

هرچند بر قطعیت و مطابقت درک حسی با واقعیت از سوی فلاسفه، ایراداتی وارد شده است،^{۴۴} اما در امور قضایی، داور باید به درک حسی موضوعات مورد اختلاف بپردازد و تا زمانی که از طرق معتبر، باور ناشی از درک حسی وی تکذیب نشده است، بر اساس آن باور حسی، معرفت و علم خود را بنا نماید. توجه و دقت داور در محتوا و دلالت دلایل و قرائن بر موضوعات مورد اختلاف، احتمال خطا و تقلب را در این خصوص کاهش می‌دهد. باور و اعتقاد به عنوان یک فرایند ذهنی، باید پیوند و رابطه‌ای با حقیقت و جهان خارجی داشته باشد. تصورات و مفاهیم، به‌عنوان اجزاء تشکیل‌دهنده باور، باید یک نظم و نسق منطقی و قابل شناسایی داشته باشند تا به‌عنوان یک باور و اعتقاد معتبر و موثق، منجر به ایجاد معرفت و علم صحیح گردند. هرچند یک قالب و استاندارد مورد اتفاق برای ایجاد باور و ارتباط باورها وجود ندارد، اما معرفت‌شناسان ضوابطی را برای باور و اعتقاد موثق و معتبر لازم دانسته‌اند.

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، ضابطه «توازن احتمالات» در عمده نظام‌های حقوقی برای اثبات دعاوی مدنی، به‌عنوان یک ضابطه و معیار معتبر پذیرفته شده است، اما برخی معتقدند که «هیئت‌های داوری، در پرونده‌هایی که ادعاهای مطروحه در آن دارای ماهیت خاص‌اند

42. Sense Perception.

43. Reason Perception.

به‌طور مثال ادعای رشاء و ارتشاء، کلاه‌برداری، تقلب، و خیانت در امانت)، باید از ضابطه و آستانه اثبات بالاتری نسبت به ضابطه توازن احتمالات، مانند ضابطه «اعتقاد درونی»، برای ارزیابی امور اثباتی استفاده نمایند. این ضابطه، ضابطه‌ای مادون و کمتر از ضابطه اثبات پذیرفته‌شده در امور کیفری (ضابطه فراتر از شک معقول) است و در این موارد، طرفی که ادعای وجود چنین اموری را می‌نماید، مکلف می‌داند تا دلایل اثباتی شفاف و قانع‌کننده‌تری را برای اثبات آن‌ها ارائه نماید».^{۴۵}

هرچند دیدگاه مذکور مبنی بر اعمال ضابطه اعتقاد درونی برای احراز وقایع خاص، دیوان داور را مکلف به اعمال احتیاط بیشتر در کشف واقع و رسیدن به اعتقادی محکم و عمیق می‌نماید، به نظر می‌رسد که راهکار اعمال احتیاط ویژه، تفکیک ضوابط اثبات و پذیرفتن ضابطه قوی‌تر و سخت‌تر برای اثبات امور مورد اختلاف نیست، بلکه همان‌گونه که لی^{۴۶} معتقد است، «برای اثبات دعوا باید صرفاً یک ضابطه و فرمول قطعی وجود داشته باشد».^{۴۷} ضابطه معتبر، همان ضرورت توجیه برای تحقق اعتقاد و باور به وجود یا عدم وجود واقعه مورد اختلاف است. طرفین دعوا در هر پرونده‌ای و فارغ از میزان احتیاط مورد اعمال داور، مکلف‌اند تا دلایل اثباتی شفاف، قانع‌کننده و معتبری را برای اثبات ادعا و یا دفاعیه خود به داور ارائه نمایند. احتیاط لازم مورد نظر داور در ذهن و روان وی اعمال می‌شود و ظهور و بروز محسوس خارجی ندارد تا طرفین آن را درک کرده، بر اساس میزان و مقدار آن، دلایل اثباتی خود را تنظیم و ارائه نمایند. دلایل اثباتی واقعی با شدت و ضعف اثباتی متعارف و معقول خود، موجود و قابل دسترسی است و وضوح و شفافیت آن‌ها صرفاً بسته به نحوه ارائه آن است و تا حدودی می‌تواند متغیر باشد.

رای داور، اصولاً در قالب یک قیاس منطقی صادر می‌گردد. صغرای این قیاس وقایع خارجی (امور موضوعی) و کبرای آن قواعد حقوقی اند (امور حکمی). اولین شرط صحت این قیاس، حصول علم داور بر امور موضوعی و اطمینان از وجود وقایع مورد اختلاف است. داور در تشکیل صغرای استدلال خود باید با اطمینان به مرحله قناعت وجدانی برسد. براین اساس، به نظر می‌رسد از لحاظ منطقی در دعاوی حقوقی تنها یک معیار و ضابطه برای اثبات امور موضوعی وجود دارد که در داوری‌های تجاری بین‌المللی نیز باید اعمال شود و آن همان «ضابطه دلایل روشن و قانع‌کننده» است، اما در عمل، بنا به وضعیت خاص هر پرونده و امکان دسترسی یا عدم دسترسی به دلایل اثباتی، شدت و ضعف دلایل اثباتی موجود در دلالت بر وجود یا عدم وجود وقایع مورد

45. Magnum, *Evidence in arbitration*, 16.

46. Ho Hock Lai.

47. Lai, *A philosophy of evidence law: Justice in the search for truth*, 223.

اختلاف و یا تعارض دلایل ابرازی، امکان رسیدن داور به اطمینان کافی در احراز وقایع وجود ندارد و داور نمی‌تواند تصمیم‌گیری در خصوص نتیجه پرونده را تا زمان نامعلوم رسیدن به اطمینان کافی به تأخیر اندازد. بنابراین، داور باید بر اساس قرائن و امارات موجود، اصول حقوقی و عقلی با سنجش میزان صحت احتمالات و در واقع، بر اساس «ضابطه توازن احتمالات» وجود یا عدم وجود وقایع را مفروض بداند، اما در هر پرونده و بنا به شرایط خاص آن پرونده (فارغ از وضعیت دلایل اثباتی موجود)، رسیدگی مناسب ممکن است احتیاط بیشتری را طلب نماید. در این موارد، دیوان باید با احتیاط و توجه بیشتر به اداره دلیل و بررسی دلالت هر دلیل، به امور مرتبط با وقایع مورد اختلاف بپردازد و در ارزیابی و ترجیح دلایل معارض احتیاط بیشتری کرده، برای احراز وجود یا عدم وجود یک واقعه صرفاً اعتقادات و باورهای قوی و مستحکم را مبنای تصمیم‌گیری قرار دهد. یکی از راهکارهای اعمال احتیاط در ارزیابی دلیل و احراز وقایع مورد اختلاف، این است که داور در تعیین ارزش اثباتی دلایل، اهمیت موضوع مورد اختلاف را در نظر بگیرد و برخلاف تعیین اعتبار دلیل، صرفاً ضوابط قانونی و منطقی را برای تعیین وزن و ارزش اثباتی دلایل کافی نداند. به عبارت دیگر، احتیاط در ارزیابی دلایل اثباتی، ایجاب می‌کند که داور برای ایجاد اعتقاد به وجود یک واقعه‌ای که دارای اهمیتی زیاد است، از طرفی که بار اثبات بر عهده اوست، دلایل با ارزش اثباتی بالا طلب نماید.

نتیجه‌گیری

۱. داور باید در فرایند ارزیابی دلایل، احراز و اثبات وقایع، با اطمینان و احتیاط عمل نماید.
۲. اطمینان از اینکه، باور و اعتقاد ایجادشده نسبت به وقایع، با واقعیت مطابقت دارد و بر مبنای دلایل استوار است.
۳. ضابطه‌های اثبات، به‌عنوان آستانه اطمینان و تصمیم‌گیری در اثبات وقایع، نه جزء امور ماهوی و نه امور شکلی است، بلکه دارای ماهیتی مستقل و جزء موضوعات حوزه معرفت‌شناسی است که تعیین و اعمال آن بر اساس تشخیص و صلاح‌دید داور است. البته در مواردی که طرفین شخصاً ضابطه‌ی معینی را برای داور انتخاب کرده باشند، داور مکلف به رعایت و اعمال ضابطه تعیین‌شده است.
۴. به نظر می‌رسد که سکوت قوانین و مجموعه قواعد داور در خصوص قواعد و ضابطه‌های اثبات، عامدانه بوده است؛ زیرا داوران و طرفین دعوا، عموماً از نظام‌های حقوقی مختلف در یک پرونده دخالت دارند و به این دلیل، وضع قواعد در این خصوص دشوار است. این نقصان با

خصوصیت انعطاف‌پذیری داوری قابل حل است؛ هرچند هم‌اکنون، هیچ‌یک از قوانین ملی، اعم از قوانین شکلی و ماهوی ضابطه‌ای را به‌عنوان ضابطه اثبات معتبر و لازم‌الرعایه، برای اثبات وقایع مقرر نکرده‌اند، اما مجموعه قواعد منتشرشده، از جمله قواعد کانون بین‌المللی وکلا و آنسیترال در مجموع، رسیدن به «اطمینان کافی» را در مسئله ضابطه و معیار اثبات، لازم می‌دانند.

۵. لازمه صحت صغرای قیاس حقوقی، اطمینان کافی در احراز امور موضوعی است و بنابراین، ضابطه اثبات معتبر همان «ضابطه دلایل روشن و قانع‌کننده» است، اما ضرورت فصل خصومت اقتضا دارد تا در صورت عدم وجود دلایل روشن و قانع‌کننده و یا تعارض دلایل اثباتی داور بر اساس قرائن و امارات موجود، اصول حقوقی و عقلی، جانب‌گزاره محتمل‌تر را برگزیند و در واقع بین ضابطه‌های اثبات، از نظر لزوم اعمال سلسله‌مراتبی وجود دارد و داور در وهله اول، مکلف به اعمال «ضابطه دلایل روشن و قانع‌کننده» است، و در صورت عدم امکان حصول این درجه از اثبات، باید برای احراز امور موضوعی «ضابطه توازن احتمالات» را بر اساس اهمیت وقایع مورد اختلاف و با رعایت عامل احتیاط اعمال نماید. بنابراین، بحث‌های موجود در خصوص لزوم انتخاب مطلق یکی از ضابطه‌های اثبات برای اعمال در داوری‌های تجاری بین‌المللی، با قواعد معرفت‌شناسی اثبات سازگاری ندارد.

۶. احتیاط در اثبات و ارزیابی دلایل، داور را مکلف می‌نماید تا در رسیدگی به دلایل و تعیین ارزش اثباتی دلایل ابرازی، اهمیت واقعه مورد اختلاف را در نظر گرفته، برای اثبات وقایع و موضوعات مهم و اساسی دلایل قانع‌کننده‌تری را برای اثبات دعوا و تأمین بار اثبات از طرف مدعی مطالبه نماید.

سیاهه منابع

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

- آذربایجانی، علیرضا. «مبانی ارزیابی ادله در آیین دادرسی مدنی ایران و فراملی»، فصلنامه حقوق ۳۹، شماره ۳ (۱۳۸۷): ۱-۲۱.
- خسروپناه، عبدالحسین. «تئوری‌های صدق»، خردنامه صدرا، شماره ۲۲ (۱۳۷۹): ۵۶-۶۶.
- سادات میدانی، سیدحسین. «ضابطه یا استاندارد اثبات دعوا در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۱ (۱۳۹۱): ۱۶۱-۱۷۹.
- شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی. جلد ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر. اثبات و دلیل اثبات. جلد ۱، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
- مارتین، رابرت ام. معرفت‌شناسی. ترجمه نسترن ظهیری. چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۴.
- نوح، لموس. درآمدی بر نظریه معرفت. ترجمه مهدی فرجی پاک و عاطفه حقی. چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۵.
- هارتاک، یوستوس. درآمدی بر منطق هگل. ترجمه حسین مافی مقدم. تهران: انتشارات تقد و فرهنگ، ۱۳۹۷.

الف-۲. لاتین

- Alozn, Ahmad E., and Abdulla Galadari. "Evidence admissibility and evaluation models in commercial arbitration." *Journal of Legal Affairs and Dispute Resolution in Engineering and Construction* 10, no. 3 (2018): 1-25.
- Baker, Stewart Abercrombie, and Mark David Davis. *The UNCITRAL Arbitration Rules in Practice: The Experience of the Iran-United States Claims Tribunal*. New York: Springer, 1992.
- Black, Henry Campbell, B. A. Garner, and B. R. McDaniel. *Black's law dictionary* (Vol. 196). St. Paul, Minnesota: West Group 1999.
- Carreteiro, Mateus Aimoré. "Burden and standard of proof in international arbitration: proposed guidelines for promoting predictability." *Revista Brasileira de Arbitragem* 13, no. 49 (2016): 90-110.
- Hanotiau, Bernard. "Satisfying the Burden of Proof: The Viewpoint of a Civil Law Lawyer." *Arbitration International* 10, no. 3 (1994): 268-365.
- Ho, Hock Lai. *A philosophy of evidence law: Justice in the search for truth*. Oxford: Oxford University Press, 2008.

- NG Yu Wai, Magnum. *Evidence in arbitration: The law and practice on taking of evidence in international arbitration proceedings: An eclectic approach of Common Law and Civil Law systems*. Frankfurt: VDM Verlag, 2009.
- Pardo, Michael S. "Epistemology, psychology, and standards of proof: An essay on risinger's surprise theory." *Seton Hall L. Rev.* 48 (2017): 1-31.
- Pietrowski, Robert. "Evidence in international arbitration." *Arbitration International* 22.3 (2006): 373-410.
- Pilkov, Kostiantyn. "Evidence in international arbitration: Criteria for admission and evaluation." *Arbitration the international journal of arbitration, mediation and dispute management* (2014): 146-170.
- Rajski, Jerzy. *The Challenges and the Future of Commercial and Investment Arbitration*, Lewiatan Court of Arbitration, 2015.
- Redfern, Allan, Claude Reymond, Andreas Reiner, Bernard Hanotiau, Edward Eveleigh, and Ian W. Menzies. "The standards and burden of proof in international arbitration." *Arbitration International* 10, no. 3 (1994): 317-364.
- Sladic, Jorg, and Alan Uzelac. *Assessment of Evidence. Dimensions of Evidence in European Civil Procedure*. Philadelphia: Wolters Kluwer, 2016.

ب- سایت‌های اینترنتی

- Google, Pomeroy's El Paso Transfer Co (USA) v United Mexican States. Accessed June 8, 2022. <https://b2n.ir/j55646>.
- Google, Woodward-Clyde Consultants v. The Government of the Islamic Republic of Iran. Accessed June 8, 2022. <https://b2n.ir/e24150>.